DOI: 10.22034/4.10.1

سرمقاله

شهرسازی مکان/ انسان‌محور: راه آینده

«آدام اسمیت» در جایی نوشته است: «میل به بهتر کردن شرایط... از رحم مادر با ماست و هرگز تا لحظهٔ مرگ رهایمان نخواهد کرد» (هیرشمن، ۱۳۹۱، ۱۳). این گفته کاملاً با تاریخ حیات بشر انطباق دارد. در فرهنگ ایرانی نیز «تعالی» و «حرکت بدون وقفه» به سوی جلو و به سوی بالا (تعالی) از ارکان و اصول بنیادین حیات انسانی تلقی می‌گردد (براتی و همکاران، ۱۳۹۸). مداخله در محیط‌زیست انسان به منظور ساماندهی، اصلاح، توسعه و امثالهم در همین عرصه قابل طرح است. اصولاً نظام برنامه‌ریزی فضایی/شهری در جهان همواره به دنبال زمینه‌سازی شکل‌دادن به حیات اجتماعی/شهری با بالاترین سطح کیفیت و بهره‌وری بوده است. هرچند در مسیری که این حوزه دانش بشری تاکنون طی کرده، ابتدا به دلیل تعاریف غلط از محیط‌زیست انسان و روش درست مداخله در آن، و نیز سلطهٔ رویکرد مهندسی-مکانیکی به امر توسعهٔ شهری، تصور می‌شد که با دخالت و تنظیم مکانیکی-مهندسی محیط می‌توان به یک مجتمع متناسب برای زیست قابل قبول انسانی دست یافت. در چنین رویکردی کالبد و ساختار فیزیکی در مرکز توجه قرار گرفت. بعدها، با بروز مشکلات متعدد، اندیشمندان این عرصه، با انتقاد شدید از رویکرد مکانیکی، نشان دادند که راه درست، قراردادن «انسان» و «انسانیت» در مرکز توجه و اقدام است (ن.ک به جیکوبز، ۱۴۰۳).

بدین‌ترتیب، تحول از شهر و شهرسازی مدرن و مکانیکی، به شهر و شهرسازی «انسان‌محور»، امری است که در جهان پیشرفته اتفاق افتاده و نظریات و روش‌های جدید همواره بر صحت آن تأکید می‌نمایند. در توسعهٔ شهری انسان‌محور، که در مواردی توسعهٔ «مکان‌محور» نیز نامیده شده است، از یک سو، توسعهٔ کمی و فیزیکی شهر را با امور غیرکالبدی مانند توسعهٔ اقتصادی، توسعهٔ فرهنگی/اجتماعی، گسترش عدالت اجتماعی/فضایی، حمل‌ونقل و ارتباطات، زیرساخت‌ها، سیاست‌گذاری عقلانی زمین، حکمروایی بهینه شهری، زیست‌پذیری و سلامت همگانی و در نهایت تاب‌آوری و پایدای محیط‌های شهری را مد نظر دارد؛ و از سوی دیگر، بر رابطهٔ متقابل انسان و محیط زیستش و قرار داشتن ماهیت این رابطه در مسیر تعالی مستمر و سیستماتیک اصرار می‌ورزد.

در چنین زمینه‌ای از شکل‌دادن به رشد و توسعهٔ همه جانبه و فراگیر، محیط شهری یک پدیدهٔ مرده و بی‌معنا نیست و مهمترین محرک تحول در محیط شهری به سوداگری زمین، ساختمان، ارزش افزوده و رانت اجتماعی برای برخی از گروه‌های خاص اجتماعی محدود نمی‌شود.

در «توسعهٔ مکان‌محور» و «انسان‌گرا» شهر مجموعهٔ دپو شده‌ای از آهن، فولاد، سیمان، آسفالت و سازه‌های کوچک و بزرگ فیزیکی نیست؛ بلکه فضایی است که به قول «رلف»، ترکیبی به دست می‌دهد از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر و تجربهٔ شخص (رلف، ۳۹۰).

در عصر حاضر، شهر چاره‌ای ندارند جز حرکت به سوی افقی که در آن شهر محیطی پویا و سرزنده، رویدادپذیر، حضورپذیر، خاطره‌ساز، هویت‌ساز، روایت‌پذیر، قابل فهم و همراه با خاصیت تبدیل شدن به یک تجربهٔ زیستهٔ غنی و بخش مهمی از حافظهٔ اجتماعی. زیرا شهر پایگاه، کلاس و مکتب تمدن و تمدن‌سازی است.

دو موضوع کلیدی است که در ادامهٔ بحث در این مختصر می‌توان عنوان نمود:

- از پدیده‌های تأثیرگذار در بحث جاری یکی کنار گذاشته شدن موضوع «وجود» آن توسط اندیشمندان و فلاسفه بعد از قرون وسطی و دوران نوزایی بود. تحولات فکری به وجود آمده در نهضت ضد کلیسا و بعداً ضد دین به آنجا رسید که مباحث متافیزیک و معنوی که قابل تجربهٔ علمی در جهان مادی نبودند به کلی کنار گذاشته شدند. هایدگر در این مورد معتقد است که مبحث «وجود» و متافیزیک از افلاطون تا نیچه یک خط ثابت را دنبال کرد و از آن زمان به بعد پرسش اصلی فلسفه پرداختن به موضوع «موجود» بود (هایدگر، ۱۴۰۴). غفلت عمدی از وجود مسلماً راه را برای پیشرفت‌های مادی و تجربی باز نمود؛ ولی این رویکرد جهان را تبدیل به ابزاری برای بهره‌جویی حداکثری از آن کرد. هایدگر اضافه می‌کند که تمدن غربی با فراموشی عمده «وجود» وارد یک جهان بحران زده شده است.

- دوم اینکه در تداوم تحولات فکری/فلسفی فوق و مطرح شدن ایده‌های فلسفی اندیشمندانی چون دکارت، در همین جهان مادی هم بین ماده و معنا، عین و ذهن و سوژه و ابژه، گذار به سوی جزءنگری، تقلیل‌گرایی و ساده‌سازی پدیده‌های محیطی به اوج خود رسید. ترویج این طرز تلقی از جهان هستی در حوزه‌های ساماندهی محیط زیست، شهر و شهرسازی،

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-25]
[DOI: 10.22034/4.10.1]

منجر به شکل گیری پوزیتیویسم، کالبدگرایی و بخشی نگری در این عرصه‌ها شد. تفکری که معتقد است بشکلی ساده، خطی و تقلیل‌گرایانه می‌توان در مورد انسان و محیط زیستش تصمیم‌سازی و مداخله کرد. آنچه در جامعه امروز ما مانع اصلی بر سر استقرار رویکردها و روش‌های مکان‌محور و کل‌نگر شده، همانا تبدیل شدن نظریهٔ طرح جامع، از یک روش معمولی و قابل نقد به یک «ایدئولوژی هژمنوتیک» است. مسلماً بدون اقدام جدی در جهت قداست‌زدایی از روش مطرود طرح جامع، که در آن نه‌تنها محیط چیزی نیست جز اتم‌هایی که مرده‌اند و بطور تصادفی در کنار هم قرار دارند، بلکه انسان نیز یک «شیء» است مانند بقیه عناصر فیزیکی که می‌توان و باید به روش حکمرانی از بالا به پایین او را در محیط منجمد و قابل کنترل شهری تعریف کرد. توسعهٔ مکان‌محور و انسان‌گرا در کشور ما تنها از گذر از رویکرد کالبدی/ ماتریالیستی/ پوزیتیویستی طرح جامع امکان اجرا و تحقق خواهد یافت.



تصویر ۱. شهرهای جدید بر پایهٔ توسعه‌های ماشینی و مکانیکی استوارند. در این شهرها انسان‌ها در خلق فضاها و ایجاد مکان، نقشی ندارند و تنها بازیگرانی در فضاهای ازپیش تعیین‌شده خواهند بود. این شهرها عموماً رویدادپذیر نبوده و تنها در فضاهای ازپیش طراحی‌شده، حضور اجتماع را مدیریت می‌کنند. بنابراین امکان ساخت مکان در این شهرها تضعیف شده و شهر بر پایهٔ فعالیت و کاربری‌های برنامه ریزی شده مدیریت می‌شود. توسعه شهرها باید بر اساس اصول توسعه انسان‌محور صورت گیرد و انسان‌ها در فرایند زیست در آن شهر بتوانند رویدادها را بیافرینند، خاطره کسب کنند و در نهایت هویت‌های پویای شهر را شکل دهند مأخذ: https://shahrmardomdaily.ir.

عکس روی جلد نشریه مربوط به فضای جمعی square louise Michel در شهر پاریس از نمونه‌های پویا در شهرهای انسان‌محور است. مکانی با نظرگاه شهری منعطف، که نقش انسانی در آن‌ها، امکان رویدادآفرینی و خاطره‌سازی جمعی را فراهم می‌آورد. این رویکرد، رابطه‌ای متقابل میان شهروند و بافت شهری برقرار کرده و نهایتاً از طریق مکان‌سازیِ مشارکتی و پویا، هویت شهری را تثبیت می‌کند مأخذ عکس روی جلد: آرشیو فرنوش مخلص، ۲۰۱۸.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-25]

[DOI: 10.22034/4.10.1]

فهرست منابع

• براتی، ناصر. (۱۳۹۳). *ورهنگ، کهن الگوی ناشناختهٔ ایرانی-اسلامی؛ مطالعهٔ موردی: میدان توپخانه، میدان نقش جهان، پارک الله و باغ شاهزاده*. گزارش تحقیقاتی منتشر نشده. دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی (ره): دانشکدهٔ معماری و شهرسازی.
• براتی، ناصر؛ محقق منتظری، مائده و نیک‌پیمان، محمد. (۱۳۹۸). بازاندیشی در چالش مفهومی بین «برنامه» و «طرح» در گفتمان توسعه شهری ایران: از آموزش تا عمل. *مجله دانش شهرسازی*، ۳ (۴)، ۳۲-۱۵.
• جیکوبز، جین. (۱۴۰۳). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (ترجمه، حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی). انتشارات دانشگاه تهران.
• رلف، ادوارد. (۱۳۹۰). *مکان و حس لامکانی* (ترجمه، جلال تبریزی). نشر مترجم.
• نیلی، مسعود و کریمی، محسن. (۱۴۰۰). *برنامه‌ریزی در ایران (۱۳۵۶-۱۳۱۶)*. نشر نی.
• هایدگر، مارتین. (۱۴۰۴). *هستی و زمان*. ترجمه: عبدالکریم رشیدیان. نشر نی.
• هیرشمن، آلبرت. (۱۳۹۱). *خطابه ارتجاع* (ترجمه، محمد مالجو). شیرازه.

ناصر براتی
گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین و دانشگاه بین‌المللی سوره، ایران
nasserbarati1955@yahoo.com

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
براتی، ناصر. (۱۴۰۵). شهرسازی مکان/ انسان‌محور: راه آینده. *مکتب احیاء*، ۴ (۱۰)، ۵-۷.

DOI: https://doi.org/10.22034/4.10.1
URL: https://jors-sj.com/article-1-118-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-25]
[DOI: 10.22034/4.10.1]